



بررسی ماجرای لغو کنسرت «کیهان کلهر» و حاشیه‌های پیش در گفت‌وگو با کارشناسان از منظر اجتماعی و فرهنگی

شکوه خاموشی

نیره خادمی | چند روز پیش، در دیداری که با کیهان کلهر داشتیم، او از هنر و هنرمندی صحبت کرد که باید عملکردش با ذات هنرش در یک مسیر قرار بگیرد و اگر خواننده‌ای شعر مولانا را خوانده، معنای واقعی آن را درک کند و در رفتارش تأثیرگذار باشد. حالا خیلی زود در عرض کمتر از یک هفته همه آن چه او گفته بود همین‌جا مجسم شد؛ کیهان کلهر در حمایت از مردم کرد کنسرت ترکیه را لغو کرد.

او شب جمعه در میانه کنسرتی که به همراه گروه «امبرانت تریو» در لندن برگزار شد، پیش از آن که قطعه پایانی را به کودکان تقدیم کند، با جملاتی مطمئن اما آغشته به اندوه از پشت میکروفن حرف‌هایی زد که خیلی‌ها به‌ویژه همشهری‌های کرد او انتظار داشتند: «روزهای اخیر، روزهای سختی برای ما مردم کرد بود. خشونت و جنگی علیه ما در شمال سوریه راه افتاده و مردم بزرگ کرد زیر سرکوب رنج می‌کشند و البته این کشته‌های پیشتر، آواره‌های بیشتر و پناهندگان بیشتری خواهد داشت و آن منطقه از جهان با مشکلات بیشتری روبه‌رو خواهد بود. ما می‌دانیم که برخی سیاستمداران این چیزها را نمی‌فهمند.

قرار بود در استانبول نیز کنسرتی داشته باشیم که آن را لغو کردم. به نشانه احترام به برادران کردم، قطعه آخر را به زبان کردی برای بچه‌های کرد می‌خوانم که حالا در این جنگ هستند. امیدوارم روزی در دنیایی زندگی کنیم که خبری از جنگ نباشد و مطمئن باشیم همه در بستری آرام می‌خوابند. من نمی‌توانم حرف بزنم و کلامی ندارم که بگویم و این قطعه آخر را تقدیم می‌کنم به کودکان کرد.»

و همه حرف‌های استاد پر آوازه کمانچه ایرانی در حالی بیان شد که ساعتی قبل، او در صفحه اینستاگرامش توضیح داده بود که کنسرت را لغو نخواهد کرد و در واقع با همان سلاح ساز به مبارزه خود ادامه خواهد داد. این نظرات او در صفحات اجتماعی و توییت‌ها واکنش‌های زیادی در پی داشت و کاربران با هشتگ نه به کنسرت استانبول، خواستار لغو آن شدند.

جزییات تازه از ماجرای روستای چنار محمودی لردگان از زبان معاون وزیر بهداشت در گفت‌وگو با «شهروند»:

ماجرای ما را می‌دانستیم اما محرمانه بود

با گذشت ۱۲ روز از رسانه‌های شدن ماجرای ابتلا به اچ‌آی‌وی در روستای چنار محمودی لردگان، وزارت بهداشت به اطلاعات تازه‌ای دست پیدا کرده که نشان می‌دهد آمار مبتلایان کمتر از تعدادی است که این روزها در رسانه‌ها مطرح می‌شود و تست‌های تکمیلی در حال انجام است. براساس آخرین اطلاعاتی که به دست «شهروند» رسیده، تاکنون یک‌هزار و ۹۰۶ تست در روستا انجام شده و بیماریابی همچنان ادامه دارد، مراکز درمان به چندین مرکز افزایش پیدا کرده و ۱۶ تیم روانشناسی به محل اعزام شده است. دهم مهر بود که ویدیوی از روستای چنار محمودی لردگان در چهارمحال و بختیاری منتشر شد. شایع شد اهالی با سرنگ‌های آلوده، مبتلا به اچ‌آی‌وی شدند، در حالی که ماجرا متفاوت از آن چه روایت می‌شد، بود و ابتلای اهالی ارتباطی به سرنگ‌های

طراح صحنه ۳۰ ساله سریال «خواب‌زده» به کما رفت
پس لرزه‌های انفجار در لوکیشن
 صفحه ۶

گزارش «شهروند» از تلاش گروه پایش درختان گذر در خمینی شهر اصفهان
ناجی درخت‌های تشنه
 صفحه ۱۲

دولت از حدود یک چهارم آب شرب تصفیه شده، هیچ درآمدی کسب نمی‌کند
۲/۶ هزار میلیارد تومان برای هیچ!
 صفحه ۹

پادداشت

آقای نوباوه؛ تازه چه خبر از نیویورک؟

مجدید عابدی | آقای نوباوه که آموزش دیده و فارغ‌التحصیل نظام آموزشی رسانه ملی و سال‌ها به‌عنوان خبرنگار ارشد و نماینده این رسانه از قلب آمریکا گزارش می‌داد، اخیراً اظهار نظری عجیب کرده و برای آخرت آقای شجریان به نوعی دلسوزی کرده و فرموده: «آقای شجریان یک رنبا دارد. آن وقت به آقای ضرغامی گفت آن را پخش نکنند. شاید به خاطر همان رنبا خدا دست تو را می‌گرفت.» بگذریم از این که در دو خط مطلب ایراد انشایی دارد و ضمیر و انشای دو جمله با هم تطابق ندارد، ولی واقعا باعث تأسف است که کسی خبرنگار باشد و خبر مربوط به رسانه متبوع خود را تا این حد آشکارا تحریف کند؛ اولاً آن فردی که آقای شجریان مورد خطایش بود، ضرغامی نبود، بلکه لاریجانی بود، به‌علاوه نگفت رنبا را پخش نکنید، بلکه آن را استثنا کرد و اجازه پخش آن را داد و گفت بقیه کارهایش را پخش نکنند، همان کارهایی که از نظر آقای نوباوه هیچ چیز مهمی نیست. ای کاش آقای نوباوه آن نامه استاد را می‌خواند تا متوجه می‌شد که چگونه آن چه را که امثال ایشان در آنه نمی‌توانستند ببینند، استاد شجریان حدود ربع قرن پیش در خشت خام دیده بودند.

به‌علاوه اگر آقای شجریان تنها و تنها و به قول آقای نوباوه یک اثر داشت و آن هم رنبا بود، بهتر بود که صداسوسیمار از پخش آن منع می‌کرد، زیرا پخش آن صدوا آن دعای آسمانی در هنگامه افطار با رسانه‌ای که خبرنگار ارشدش به این وضوح قلب حقیقت می‌کند، هیچ تناسبی ندارد. آقای شجریان باید می‌دانست و می‌دانست که امروز نیز بیش از گذشته در هنگام افطار رنبا می‌شنونده دارد. علاقه‌مندان آن را در گوشی همراه خود دارند و در افطار گوش می‌کنند و حتی برخی زنگ همراهشان را با این صدا تطبیق می‌دهند، بنابراین نیازی نیست که پخش این صدا را با وسیله‌های همراه و همسو کند که هیچ تطابق مفهومی و عرفانی با هم ندارند. انسان را از یاد خدا باز می‌دارد.

جهت اطلاع آقای نوباوه بد نیست سری به سخنان استاد در این باره بزنیم:

نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس از هجوم خارجی‌ها برای خرید و بلاهای شمال خبر داده است
تاراج زمین‌های شمالی
 صفحه ۲

وزیر صنعت خبر داد:
تولید کامیون‌های ایرانی-آذربایجانی
 صفحه ۹

سر مربی بلژیکی طی ۴ ماه ۵۱ بازیکن را دعوت کرده هدف او چیست؟
خانه‌تکانی بی‌سابقه ویلموتس
 صفحه ۱۵

«چشمه صلح» به سبک اردوغان
هنرمندی مسئول است که به مخاطبان خود راست بگوید
 هنر متعهد، فقط همین؟ تغییر تصمیم کیهان کلهر هیچ دست‌اندازد و نتیجه دیگری ندارد؟ در این باره هم بخارایی معتقد است که این تصمیم جز تعهد این هنرمند، نشان‌دهنده موارد دیگری هم هست: «این اتفاق یعنی موزیسین بزرگ حواسش به مخاطبانش، کسانی که دنبالش می‌کنند و صدای سازش را می‌شنوند، هست. می‌فهمد و با آنها وارد دیالوگ می‌شود و در نهایت تشخیص می‌دهد که این‌طور عمل کند. به نوعی این کار، پیام گرفتن و پیام رساندن است، و گرنه می‌توانست با توجه به موقعیتی که در ترکیه دارد کنسرت را برگزار کند و کلی هم در آمد داشته باشد. نمونه‌های این چنینی کم نیست. خیلی‌ها هنر را به پول می‌فروشند.»
 ادامه در صفحه ۱۴

روزه می‌گیرند و نزدیک افطار حال‌وهوای خاصی دارند و در واقع یک مناجات برای آنهاست. رنبا متعلق به من هم نیست، متعلق به مردم است. جزو زندگی و عواطف مردم است و هیچ کس حق ندارد آن را از مردم بگیرد. در سال ۷۴ برای آقای لاریجانی که آن موقع رئیس صداسوسیمار بود، نامه نوشتیم و این نامه را هم به این دلیل نوشتیم که همه به من می‌گفتند چرا جلوی اینها را نمی‌گیرید، زیرا صداسوسیمار آهنگ‌های شما را پخش می‌کند و کلیپ روی آن می‌گذارد که ما خودمان یک تصویر و تفسیر در ذهن ما داریم اما صداسوسیمار یک چیز دیگری را به ما نشان می‌دهد و عکس‌هایی را می‌گذاشتند که هیچ ربطی به آهنگ نداشت. این مسأله را دو سه‌سالی می‌شنیدم و چندین بار هم برای تهیه کنندگان تلویزیون پیام فرستادم که شما حق ندارید کلیپ بگذارید و برای مردم آن را تفسیر کنید. در آن نامه عنوان کردم که ما با خوسون دل این هنر را به این‌جا رسانده‌ایم. این نوارها را با خون دل تهیه کرده‌ایم. شما اجازه پخش اینها را با تغییراتی که در آنها داده‌اید، ندارید و از ایشان خواستیم که دستور بدهند این نوارها پخش نشود. ضمناً در سال ۵۶ نیز به دلیل ابتدالی که در پخش موسیقی در رادیو و تلویزیون آن زمان انجام می‌شد، نامه‌ای به مدیر تلویزیون وقت نوشتیم و از او خواستیم که دیگر کارهای من و صدایم را پخش نکنند. من همیشه با هنر مبتذل مخالف بوده و هستم. در آن‌جا گفتم فقط اجازت پخش رنبا را دارید، زیرا برای افطار مردم آن را خوانده‌ام. گفته‌اند که شجریان خودش نخواست رنبا پخش شود که این را کاملاً تکذیب می‌کنم. رنبا متعلق به من هم نیست، متعلق به مردم است. جزو زندگی و عواطف مردم است و هیچ کس حق ندارد آن را از مردم بگیرد. من که صاحب این اثر هستم و در واقع آن را خلق کردم هم، می‌گویم متعلق به مردم است. من رنبا را هرگز از مردم دریغ نکردم. حالا اگر اقتضای سیاست است که صدای من را به هیچ صورتی پخش نکنند، خودشان می‌دانند ولی دروغ نگویند که رنبا را من نگذاشته‌ام پخش کنند.»
 ادامه در صفحه ۲

«فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای»
 واگذاری تکمیلی و امور حفاظتی و مراقبتی
 انبارهای واحدهای استانی سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی
 وزارت امور اقتصادی و دارایی - سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی
 رجوع به صفحه ۹

پذیرش آگهی‌های روزنامه شهروند
 ۲ - ۴۴۹۵۶۲۰۰

